روایت «شرق» از افرادی که منع از خدمات شده‌اند یا شناسنامه آنها باطل شده است

شناس عالمی اما شناسنامه نداری*

سمیرا حسینی: «پسر ۲۱ ساله‌ام از ترس اینکه او را بگیرند و به افغانستان بفرستند از خانه خارج نمی‌شود. ما ایرانی هستیم، اما به ما می‌گویند افغان هستیم. اگر او را بگیرند یا باید رشوه بدهیم یا او را به افغانستان می‌برند و همان‌جا رها می‌کنند». این را زن جوانی می‌گوید که چند سال پیش به تابعیت همسرش شک کردند، شناسنامه‌هایشان را گرفتند و آنها را منع از خدمات کردند. هم خودشان و هم پدر و پدربزرگشان همه در ایران متولد شده‌اند و به خدمت سربازی رفته‌اند، اما یک روز به هویتشان شک کردند و در کسری از ثانیه بی‌وطن شدند. حالا باید ماه‌ها و سال‌ها دوندگی کنند تا شاید بتوانند اثبات کنند وطنشان همین‌جاست؛ معضلی که مدت‌هاست حتی تعدادی از نمایندگان مجلس نیز از وزرای کشور خواسته‌اند برای حل این مشکل فکری بکنند. احمدعلی کیخا، نماینده مردم زابل در مجلس، یکی از نمایندگانی است که پیگیر وضعیت افراد بی‌شناسنامه و مشکوک‌التابع است. در برخی از مناطق استان سیستان‌وبلوچستان این مشکل برای افراد زیادی رخ داده است. کیخا دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «متأسفانه در این مناطق هر کسی به هر دلیل از فردی خوشش نیاید با ارسال یک نامه به ارگان‌های مربوطه اعلام می‌کند این فرد مشکوک‌التابع است و فرد منع از خدمات می‌شود. حالا باید برود دنبال اینکه ثابت کند ایرانی است. وقتی به فردی شناسنامه داده شده است چرا تا اعلام می‌کنند این فرد مشکوک‌التابع است به‌سرعت او را منع از خدمات می‌کنید. باید بررسی‌ها را دقیق‌تر انجام دهید. معمولا در ایام انتخابات خیلی از این اتفاق‌ها می‌افتد؛ به‌عنوان‌مثال فردی هنگام انتخابات از یکی از نامزدها حمایت نمی‌کند، آن نامزد خاص یا طرفداران او می‌گویند این فرد مشکوک‌التابع است یا فردی به هر دلیلی از کسی خوشش نمی‌آید به او می‌گویند مشکوک‌التابع است و بلافاصله منع از خدمات و از همه خدمات اجتماعی محروم می‌شود».

این نماینده در ادامه می‌افزاید: «این یک اشکال اساسی است که باید برای آن چاره‌ای اندیشید. حتی اگر فردی به ارگانی نامه می‌نویسد و ادعا می‌کند فلانی مشکوک‌التابع است حداقل باید نامه را با دقت بررسی کرد و اگر زمانی ادعاها اثبات شد، بعد او را منع از خدمات کنید، اما قبل از قطعی‌شدن به چه جرمی این افراد را منع از خدمات می‌کنند. به فرض اینکه آن فرد هم توانست ایرانی‌بودن خودش را اثبات کند. هزینه‌ای که در این مدت به او تحمیل می‌شود را چه کسی جبران می‌کند؟».

آرزویشان داشتن شناسنامه و برداشتن کلمه منع از خدمات از روی شناسنامه‌هایشان است. شناسنامه برای آنها یعنی کارت ملی، یارانه، درس‌خواندن، دریافت خدمات بهداشتی و درمانی و خیلی چیزهای دیگر با شناسنامه و اوراق هویتی، آنها کشف می‌شوند و جزء آمار جمعیتی به حساب می‌آیند. کسانی که شناسنامه ندارند، نمی‌توانند هیچ خدماتی از جامعه دریافت کنند. این افراد نه‌تنها یارانه دریافت نمی‌کنند، بلکه برای استفاده از مراکز درمانی باید هزینه‌های هنگفتی را متحمل شوند.

قانون چه می‌گوید؟

در ماده ۴۵ قانون اصلاح قانون ثبت‌احوال مصوب ۱۳۵۵ که در تاریخ ۶۳/۱۰/۱۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، درباره افرادی که هویت و تابعیت آنان دچار تردید می‌شود، چنین آورده شده است: «هرگاه «هویت و تابعیت» افراد مورد تردید واقع گردد و مدارک لازم جهت اثبات آن ارائه نشود، مراتب برای اثبات «هویت» به مراجع انتظامی و برای اثبات «تابعیت» به شورای تأمین شهرستان ارجاع و در صورت تأیید طبق مقررات اقدام خواهد شد».

عکس: ایرنا

تبصره: در جلسات شورای تأمین شهرستان که به منظور فوق تشکیل می‌گردد رئیس اداره ثبت‌احوال محل نیز با داشتن حق رأی شرکت خواهد داشت. مشکوک‌التابعین کسانی هستند که شناسنامه دارند و بنا به دلایلی هویت و تابعیت آنان مورد تردید قرار می‌گیرد. این افراد مخاطب اصلی ماده ۴۵ قانون ثبت‌احوال هستند.

بر اساس ماده ۴۵ قانون ثبت‌احوال، اگر فرد قادر به ارائه دلایل کافی برای اثبات تابعیت ایرانی خود نباشد و چنانچه از ابزار جدید و علمی (آزمایش DNA) برای اثبات نسب استفاده شود و نتیجه‌ای به دست نیاید، شورای تأمین شهرستان بدون لحاظ مصالح فردی و اجتماعی فرد، رأی به اثبات‌نشدن تابعیت ایرانی او می‌دهد و در نتیجه شناسنامه این فرد ابطال می‌شود.

بااین‌حال گاهی شوراهای تأمین به صرف وجود گزارشی مبنی بر تعلق‌نداشتن شناسنامه به فرد موردنظر، اقدام به ابطال شناسنامه و رد تابعیت ایرانی وی بدون لحاظ اصل ۴۱ قانون اساسی و قوانین مدنی مورد اشاره به ویژه بند یک از ماده ۹۷۶ قانون مذکور می‌کنند. فراتر از این اقدام، احتمال ابطال شناسنامه فرزندان و احتمالا نوادگان این افراد وجود دارد که بدون توجه به تبعات آن و صرفا به جهت استفاده پدر از شناسنامه غیر و بدون دلیل باطل می‌شود. در مواردی که خارجی‌بودن فرد به اثبات می‌رسد، تصمیم‌گیری برای فرزندان و نوادگان این افراد نیز باید با رعایت بندهای مختلف ماده ۹۷۶ قانون مدنی باشد و به‌راحتی رأی به ابطال گروهی شناسنامه‌های آنان داده نشود. اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظر مشورتی خود به شماره ۱۸۹/۹۳/۷ مورخ ۹۳/۲/۶ اظهار می‌کند که صرف رد تابعیت ایرانی پدر، دلیل بر رد تابعیت ایرانی فرزندان نخواهد بود، زیرا داشتن تابعیت ایرانی منحصر به بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی نیست که متأسفانه این موارد رعایت نمی‌شود.

ما ایرانی هستیم

احمد یکی از کسانی است که سال‌ها پیش به تابعیت پدرش شک کردند و به تبع آن همه خانواده آنها منع از خدمات شدند. او که حدود ۵۰ سال دارد و سال‌ها پیش هم به خدمت سربازی رفته، به «شرق» می‌گوید: «سال ۷۸ پدرم به ثبت احوال رفته بود که شناسنامه‌اش را گرفتند.

ما خیلی دوندگی کردیم؛ اما به نتیجه‌ای نرسیدیم. سه سال پس از آن هنگامی که دنبال اثبات هویت خودمان بودیم، فردی به ما گفت سه میلیون تومان به او بدهیم تا مشکل‌مان را حل کند؛ اما پدرم حاضر به این کار نشد؛ چون می‌گفت حق با ماست. ما ایرانی هستیم و چرا باید به او پول بدهیم. آن زمان سه میلیون تومان پول زیادی بود. سال ۸۲ پدرم فوت کرد و مشکلات ما تازه شروع شد. در پرونده ما نوشته شده است که سال ۵۰ از یکی از مرزهای شرقی وارد ایران شده‌ایم و ایرانی نیستیم. هرجا که توانستیم رفتیم. کارت پایان‌خدمت پدرم، خودم و برادرانم را در دادگاه ارائه دادیم؛ اما باز هم به ما گفتند هویت‌مان برای‌شان احراز نشده است».

به گفته افراد محلی، کم نیستند افرادی که از مشکوک‌التابع‌ها میلیون‌ها پول می‌گیرند تا مشکل هویت‌شان را حل کنند؛ اما پس از گرفتن مبالغ بالا کاری هم برای آنها انجام نمی‌دهند. به گفته احمد تاکنون ۸۰ نفر از اعضای خانواده آنها منع از خدمات شده‌اند و شناسنامه ندارند. او می‌گوید: «۱۴ خواهر و برادر هستیم و همه ما پس از مشکلی که برای پدرم ایجاد شد، منع از خدمات شدیم. فرزندان‌مان که تا آن زمان شناسنامه برای‌شان گرفته بودیم، هم برای بچه‌هایی که بعد از آن متولد شدند، نتوانستیم شناسنامه بگیریم. خواهر و برادرهایم را که آن زمان مدرسه می‌رفتند، از مدرسه اخراج کردند. فرزندانم هم نتوانستند ادامه تحصیل بدهند. به دادگاه شکایت کردیم؛ اما باز هم مشکل‌مان حل نشد». محمد ۴۱ساله و خانواده‌اش پنج سال است شناسنامه‌شان گرفته شده. همسر محمد دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «از مدرسه فرزندان‌مان به ما نامه داده بودند که به اداره ثبت احوال مراجعه کنیم؛ به دلیل اینکه فرزندان‌مان منع از خدمات شده‌اند. آن زمان دختر کوچکم سوم ابتدایی بود؛ به‌همین‌خاطر همسرم به اداره ثبت احوال مراجعه کرد که همان‌جا شناسنامه‌ها را از او گرفتند و گفتند منع از خدمات شده‌اید با اینکه بعد از مدتی از اقوام و آشناهایمان تحقیق کردند که باز هم همسرم را رد کردند. علتش را هم نمی‌دانیم. جالب اینجاست که برادرها و پسرعموهای همسرم همه شناسنامه دارند؛ اما فقط همسر من منع از خدمات شده است. ما هفت فرزند داریم که به خاطر پدرشان منع از خدمات شده‌اند. دو فرزند من و پنج فرزند از زن اول همسرم. یارانه ما قطع شده است. گاهی با نامه‌ای که از ثبت احوال می‌گیرم، یارانه دریافت می‌کنیم. البته به‌سختی. حتی نفت ما هم قطع شده است و نفت به ما تعلق نمی‌گیرد. اینجا در زاهدان به صورت کوپنی نفت می‌دهند».

زندگی با هزینه‌های آزاد

کمی مکث می‌کند. گویی زن جوان آن سوی تلفن اشک‌هایش جاری شده است. کمی بعد باز هم شروع به صحبت‌کردن می‌کند: «هر سال از فرمانداری یک نامه می‌گیریم و با مکافات فرزندان‌مان را در مدرسه ثبت‌نام می‌کنیم. هزینه کتاب‌هایشان را هم باید از جیب خودمان پرداخت کنیم؛ آن‌هم با هزینه آزاد. دختر بزرگم ازدواج کرده و یک فرزند هم دارند. حالا دامادم بهانه می‌گیرد که شما شناسنامه ندارید؛ به‌همین‌خاطر تو را ترک می‌کنم. بارها او را به خاطر شناسنامه تهدید کرده. دخترم ۲۰ سال و فرزندش شش ماه دارد». «دخترم که زایمان کرد، هزینه‌ها را به صورت آزاد حساب کردند؛ درحالی‌که شرایط مالی ما خوب نیست. ما با حقوق کارگری زندگی می‌کنیم. فرزندش که به دنیا آمد، دومیلیون‌و ۷۰ هزار تومان از ما گرفتند؛ چون ما شناسنامه نداشتیم».

از او درباره اقداماتی که تاکنون انجام داده‌اند، سؤال می‌کنم. در پاسخ می‌گوید: «از همسرم و عمویش آزمایش دی‌ان‌ای هم گرفته‌اند. نزدیک به یک میلیون تومان برای این آزمایش هزینه کردیم. آزمایش مثبت بود. وقتی جواب آزمایش آمد، همه ما خوشحال شدیم و فرزندان‌مان ذوق کرده بودند که می‌توانند بدون ترس از خانه خارج شوند؛ اما زمانی که به ثبت احوال رفتیم، باز هم به ما گفتند که منع از خدمات هستیم. کارشناسی که آنجا بود، به ما گفت تازه باید کفش آهنی به پا کنیم. برای گرفتن شناسنامه به ما گفتند باید از زابل استعلام بگیرد؛ چون همسرم متولد آنجا بود. گفتند اگر آنجا شما را شناخت، مشکل‌مان حل می‌شود. همسرم ۴۰ سال پیش آنجا بود. این کار را هم انجام دادند؛ اما هنوز مشکل ما حل نشده است».

صدایش از ته گلویش بیرون می‌آید. می‌پرسد: «شما می‌توانید کاری برای ما انجام دهید». بعد از این سؤال ادامه می‌دهد: «دختر کوچکم آلرژی دارد، چشم‌هایش هم ضعیف است؛ اما چون بیمه ندارد و هزینه‌های درمان هم برای ما آزاد حساب می‌شود، نمی‌توانم او را پیش دکتر ببرم. مگر اینکه یا از کسی دفترچه بگیرم یا با دکتر صحبت کنیم که هزینه کمتری از ما بگیرد. همسرم کارگر است و سه روز است که آب‌مان به دلیل ۳۵۰ هزار تومان بدهی قطع شده است. داخل آفتابه از خانه همسایه آب می‌آوریم. همه مشکلات ما به دلیل نداشتن شناسنامه است. دست‌کم اگر بچه‌هایمان می‌توانستند درس بخوانند، می‌توانستیم به آینده‌شان امیدوار باشیم. دخترم و پسر همسرم درسشان خیلی خوب است؛ اما فکر نمی‌کنم با این شرایط بتوان به آینده آنها امیدوار بود. در نهایت شاید بتوانیم با التماس و نامه‌گرفتن آنها را تا دیپلم برسانیم. با این شرایط نمی‌توانند به دانشگاه بروند».

عاملی برای فقر بیشتر در منطقه

احمدعلی کیخا نماینده مجلس هم درخصوص انتقال و رهاکردن این افراد در کشورهای همسایه نیز به «شرق» می‌گوید: «اگر مأموران قانون با این افراد برخورد کنند، آنها را به کشورهایی مانند افغانستان و پاکستان می‌فرستند، از این موارد زیاد داشته‌ایم. تعدادی از ایرانی‌ها در هرات زندگی می‌کنند که ریشه ایرانی دارند؛ خودشان ایرانی بودند اما چون نتوانستند ایرانی‌بودن خودشان را اثبات کنند، آنها را به افغانستان برده‌اند و رها کرده‌اند».

به گفته او مشکلاتی که این افراد با آنها روبه‌رو هستند، عاملی برای فقر بیشتر در منطقه است. او ادامه می‌دهد: «همین امر عاملی است برای ایجاد فقر بیشتر در این مناطق. افرادی مشکوک‌التابع می‌شوند و نمی‌توانند برنامه بلندمدتی برای زندگی خود داشته باشند و مدام با ترس و استرس در جامعه زندگی می‌کنند».

خانواده محمدعلی از معدود خانواده‌های خوش‌شانسی هستند که پس از گذشت پنج سال توانستند هویت خود را اثبات کنند. علی یکی از فرزندان این خانواده است. او که مشغول تدریس در یکی از مدارس شهر زابل است، درباره اتفاقی که برای خانواده‌اش افتاد این‌طور می‌گوید. «پدر، مادر و چند نفر از اعضای خانواده‌ام در سال ۸۰ منع از خدمات شدند؛ جالب اینجاست که من و یکی دیگر از برادرانم منع از خدمات نشده بودیم».

ادامه در صفحه ۱۳

یادداشت

به مناسبت اجباری شدن صندلی کودک در خودرو

امنیت در تردد شهری و زندگی شهرنشینی

دکتر رضا اسدی*

● مفهوم امنیت بسیار گسترده است و در حوزه امنیت ملی مباحث و مفاهیم بسیار گسترده‌ای را شامل می‌شود؛ از حفاظت از کیان مرزها تا ممانعت از سرقت و ناامنی و خشونت در سطح شهرها و جلوگیری از حملات تروریستی و تهاجم خارجی. الحق‌والانصاف در این حوزه‌ها کشور در وضعیت خوبی قرار دارد، اما بخشی از امنیت هست که اصلا جایگاه و وضعیت مناسبی ندارد و آن امنیت در حوزه تردد شهری و زندگی شهرنشینی است. امروزه احتمال بروز حادثه یا بهتر است بگوییم فاجعه از موارد فوق‌الذکر برای شهروندان در کشور ما بسیار کمتر از خطر و ریسک حوادث روزمره شهری است، درحالی‌که ما هر روزه خود و خانواده‌مان از خیابان‌های شهرها می‌گذریم، با خودرو تردد می‌کنیم و با خطرات بی‌شماری مواجه می‌شویم. بسیاری از مفاهیم امنیت در شهرهای کشور، از کلان‌شهرها گرفته تا شهرستان‌ها، نادیده گرفته شده است. تقریبا در کمتر چهارراهی در سراسر کشور چراغ‌های عابر پیاده استاندارد برای تردد امن شهروندان و معلولان موجود است -زیرا چراغ ترافیکی استاندارد و امن، چراغی است که در هر طرف خیابان مجزا، سبز و قرمز شود، برای توان‌یابان روشن‌دل مجهز به هشدار صوتی باشد و خط‌کشی مناسبی نیز داشته باشد- و تقریبا چهارراهی را نمی‌شناسیم که به دکمه قرمزشدن چراغ از سوی عابر مجهز باشد. با وجود شنیدن خبر خوب تصویب اجباری‌شدن صندلی کودک در خودروها، کمتر خودرویی را می‌توان این‌روزها مجهز به صندلی کودک دید و از آن بدتر مشاهده صحنه‌های فاجعه‌بار کودکان آویزان از پنجره و سانروف بسیاری را هر روز متعجب می‌کند. دیدن یک تا دو کودک روی موتورسیکلت در وضعیت‌های بسیار خطرناک نیز امروزه امری کاملا عادی و روزمره است، درحالی‌که در برخی کشورهای درحال‌توسعه مانند مالزی دیدن آن محال است. نگارنده درک می‌کند که فقر اقتصادی می‌تواند بسیاری از این مثال‌ها را توجیه کند، اما قانون‌گذار و سیاست‌گذار می‌تواند با تصویب تعرفه‌های مناسب، از جمله کارت تردد شهری وسایل حمل‌ونقل عمومی ویژه مادر و کودک و کاهش قابل‌توجه تعرفه‌های گمرکی یا تولید داخلی صندلی خودروی کودک این مهم را ارتقا بخشد. تجربه تأثیر فوق‌العاده اجباری‌شدن بستن کمربند در داخل خودرو در افزایش استفاده از آن از سوی رانندگان را بسیاری به‌خاطر دارند؛ اگرچه آن نیز امروزه این روزها به دلیل جدی گرفته‌نشدن، در حال کم‌رنگ‌شدن است. تردد موتورسیکلت در پیاده‌رو چنان عادی است که حتی دیگر کسی اعتراض هم نمی‌کند و گاه موتورسیکلت‌های دولتی هم از پیاده‌رو استفاده می‌کنند؛ مسئله‌ای ساده که می‌تواند فاجعه‌ای را برانگیزد یا حداقل منجر به دغدغه مستمر عابران پیاده‌روها اعم از کودک و بزرگسال شود؛ به‌ویژه این مسئله در نزدیکی تقاطع‌ها بیداد می‌کند و هیچ توجه و تمرکزی نیز بر آن نیست و به‌نوعی عادت کرده‌ایم که در فضای ناامن پیاده‌روها تردد کنیم و اعتراضی نیز نکنیم.

ادامه در صفحه ۱۳

نگاه

هشدارهای دارویی برای شرکت‌کنندگان در پیاده‌روی اربعین

● **شرق:** هر سال با فرارسیدن مراسم اربعین، سیل عظیمی از هم‌وطنان برای شرکت در پیاده‌روی این آیین راهی کشور عراق می‌شوند، اما همه نمی‌دانند که ممکن است همراه‌داشتن برخی داروها که در ایران عادی است، در کشوری مثل عراق جرم سنگینی داشته باشد. برخی داروهایی که ما برای سردرد یا سرماخوردگی از آن استفاده می‌کنیم و استفاده از آن در کشور نه‌تنها جرم نیست، بلکه رایج است، اما با همراه‌داشتن آن در آن سوی مرز ممکن است هرکسی را با مشکلات زیادی مواجه کند، این ممنوعیت‌ها فقط مختص کشور عراق نیست؛ هرساله سازمان حج و زیارت نیز برخی اقلام دارویی را که ورود آنها به کشور عربستان ممنوع است، اعلام می‌کند و از حجاج می‌خواهد از همراه‌داشتن آنها خودداری کنند.

روز گذشته رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر درباره موضوع ممنوعیت ورود برخی داروها به عراق گفت: زائران مراقب باشند بر اثر یک اشتباه با زندان‌های سخت عراق و جریمه‌های ۷۰ میلیون تومانی مواجه نشوند. سردار مسعود زاهدیان، با بیان اینکه در کشور عراق قوانین و مقررات سختی در برخورد با مواد مخدر وجود دارد، افزود: برای اینکه اتباع کشورمان از تبعات بعدی مصونیت پیدا کنند و برای بردن قرص و داروهای خاصی که ممنوعیت دارد، برایشان مشکل ایجاد نشود، آموزش خاصی را در مرزها و مجموعه کاروان‌ها و گروه‌های اعزامی به اربعین انجام داده‌ایم.

او در بخش دیگری از سخنانش تأکید کرد: نیروهای پلیس مبارزه با مواد مخدر در مرزها مستقر شده‌اند که اگر کسی آگاهانه یا ناآگاهانه قصد ورود این مواد به کشور عراق را داشته باشد، از آن جلوگیری شود. در عراق مانند برخی کشورهای عربی دیگر، حمل داروهایی که دارای مشتقات مخدر باشد، مثل کدئین و دیکلوفناک ممنوعیت دارد و مشابه مواد مخدر با آن برخورد می‌شود. سردار زاهدیان ادامه داد: زائران اربعین مراقبت کنند، زیرا ممکن است برای یک اشتباه مانند ورود این داروها به عراق مدت زیادی را در زندان‌های این کشور گرفتار شوند. شرایط سختی در زندان‌های عراق حکم‌فرماست و افراد در وضعیت بدی نگهداری می‌شوند؛ همچنین بازگشت آنها به کشور هزینه زیادی دارد و مستلزم پرداخت جریمه ۷۰ میلیون تومانی و دیگر جریمه‌هاست.

درهمین‌حال به گفته دبیر کمیته بهداشت و درمان ستاد اربعین کسانی که به مصرف دارو نیاز دارند، می‌توانند از پایگاه‌های هلال احمر مستقر در عراق برای تهیه دارو اقدام کنند. حسن نوری‌ساری با بیان اینکه همراه‌داشتن داروهای کدئین‌دار از نظر دولت عراق جرم تلقی می‌شود، افزود «ازاین‌رو همراه‌آوردن داروهای حاوی متادون، ترامادول و استامینوفن خلاف مقررات عراق است».

او همچنین در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود با رسانه‌ها از مردم حاضر در پیاده‌روی اربعین حسینی خواست: «در صورت مشاهده اسهال بلافاصله خود را به اولین تیم پزشکی برسانند، چراکه اسهال وبایی موجود در عراق سرعت انتقال بسیار بالایی دارد. تزریق واکسن آنفلوانزا باید حداقل یک هفته قبل از سفر انجام شود، چون تزریق‌کننده را برای چند روز دچار عوارض بیماری می‌کند». عراق تنها کشوری نیست که قوانین سختی در زمینه حمل برخی داروها که حاوی مواد مخدر هستند دارد. طبق قوانین کشور عربستان نیز ورود برخی از داروها به این کشور ممنوع است و هرساله سازمان حج‌وزیارت با اعلام این فهرست، از زائران می‌خواهد این داروها را همراه خود نداشته باشند.

جدول ۳۲۳۴ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- از نیازهای اولیه بشر- به نرمی رفتارکردن- روزنامه چاپ ترکیه ۲- بدنام- شهر نفت‌خیز عراق- بزرگ‌ترین شهر پرو ۳- برای تسکین درد روی عضو آسیب‌دیده می‌گذارند- کاهش ارزش دارایی بر اثر گذشت زمان ۴- چاره‌اندیشی- بازداشت‌کردن- بی‌سواد ۵- کافی- علم شعبده‌بازی- گودی ۶- دوبیتی محلی- زجر و عذاب- از اندام گفتاری ۷- برآمدگی زمین- افراطی- تاراج و چپاول ۸- مطیع و حرف‌شنو- بیماری آلزایمر ۹- شرم و حیا- شیپور گوش میانی- قسمت مهم و اساسی هرچیز ۱۰- وارونه‌اش خوب نیست!- خمیدگی- نوعی بیماری گیاهی قارچی ۱۱- کالاها- بهشت- دست عرب ۱۲- بازداشتن- زنگ فلز- فرزندانی که از یک پدرومادر نیستند ۱۳- زرد مایل به نارنجی- لخت و عریان ۱۴- شریف‌تر- بندری در اوکراین- وقت و هنگام ۱۵- باریک‌بین- ترساندن عمدی- دزدی.

عمودی:

۱- چندمرتبه- بی‌رونق- افزونی ۲- چاشنی غذایی- مجموعه شعری سروده زنده‌یاد قیصر امین‌پور ۳- ستاره- پیشوا- از سبزی‌های خوردنی ۴- رمانی درباره واقعه عاشورا نوشته صادق کرمیار- اشاره به دور- سازگاری ۵- چاپگر کامپیوتر- عقیم ۶- حیله و نیرنگ- گوارا- قصد خیرخواهانه ۷- صحیح‌بودن- دروازه بدن- رستنی ۸- مخفف آکبند- حلقه فلزی یا پلاستیکی جهت توزیع بار پیچ و مهره- همسر حضرت ابراهیم(ع)- دشمن سرسخت ۹- آستانه- زغنبوت- با شدت و فوریت ۱۰- از گازهای اصلی تشکیل‌دهنده هوا- پستانداری با پوزه دراز و پوست قیمتی- جوانمرد ۱۱- گشت‌وگذار- جایگاه سرپوشیده برای نگهداری هواپیما ۱۲- انعام، پاداش- فهمیده- میوه گرمسیری سرشار از ویتامین ۱۳- ترازنامه- حبه ترش‌مزه انگور- بی‌باکی ۱۴- لقب امام فخر رازی- سفید در گویش آذری‌ها ۱۵- حکایت‌کننده- نوعی طلاق- دینداری.

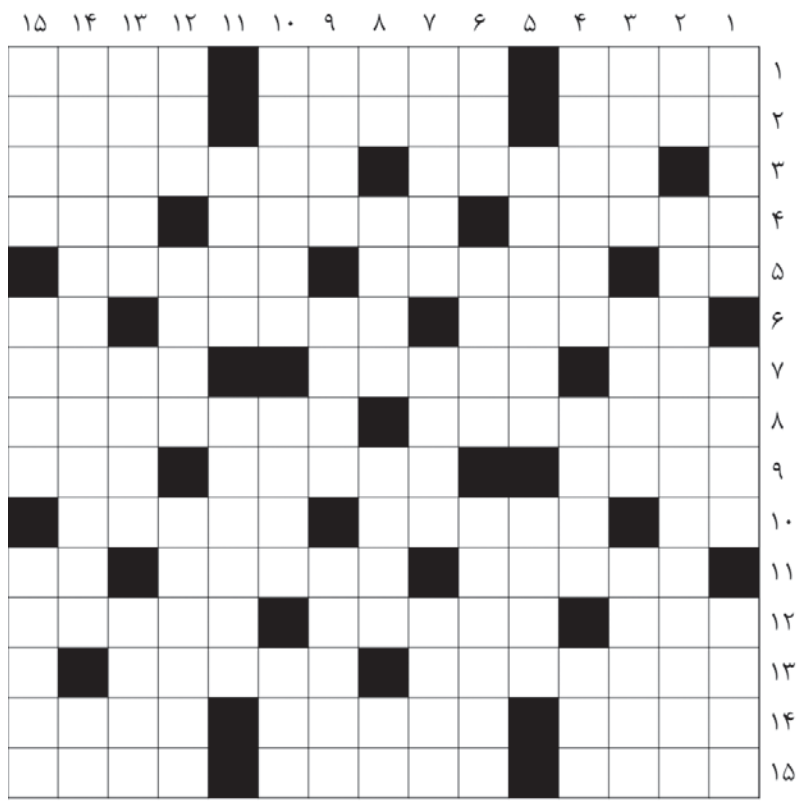

حل سودوکو سخت

۱	۶	۹	۲	۴	۳	۵	۸	۷
۴	۸	۲	۵	۷	۱	۹	۶	۳
۳	۵	۷	۶	۸	۹	۴	۱	۲
۵	۲	۴	۸	۳	۶	۱	۷	۹
۹	۳	۸	۷	۱	۴	۶	۲	۵
۷	۱	۶	۹	۵	۲	۳	۴	۸
۸	۹	۱	۴	۲	۵	۷	۳	۶
۶	۷	۳	۱	۹	۸	۲	۵	۴
۲	۴	۵	۳	۶	۷	۸	۹	۱

حل سودوکو ۲۲۲۹

۵	۷	۲	۳	۴	۸	۶	۱	۹
۳	۴	۶	۲	۱	۹	۸	۷	۵
۹	۸	۱	۷	۶	۵	۳	۴	۲
۸	۲	۵	۶	۳	۴	۱	۹	۷
۶	۹	۳	۱	۵	۷	۴	۲	۸
۷	۱	۴	۹	۸	۲	۵	۶	۳
۴	۳	۹	۵	۷	۱	۲	۸	۶
۱	۶	۷	۸	۲	۳	۹	۵	۴
۲	۵	۸	۴	۹	۶	۷	۳	۱

جدول ۳۲۳۳

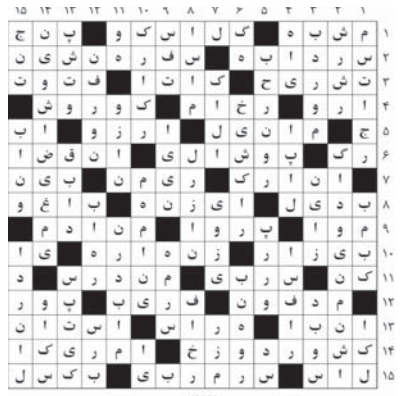

سودوکو سخت ۲۲۳۰

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۴		۵			۳		۲
	۵			۳				
۹		۳				۶	۱	
۷			۸				۹	۶
				۵				
۴	۶				۲			۳
	۱	۸				۹		۴
			۱				۳	
۶		۷			۴		۵	

سودوکو ساده ۲۲۳۰

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۹	۳					۴		
	۴				۱	۵		
۷			۵	۴	۸		۶	
۳	۵			۷		۸		
	۸						۴	
		۴		۵			۹	۷
	۲		۷	۸	۵			۹
		۳	۶				۲	
		۶					۵	۴